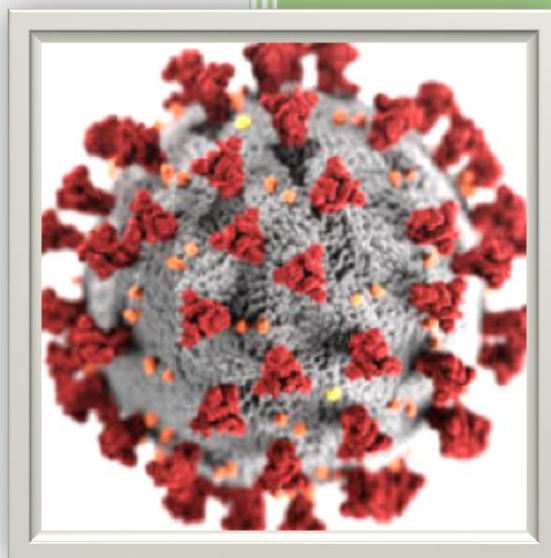


دانشگاه تربیت مدرس



دیده‌بانی علمی بیماری کووید ۱۹

گزارش علمی



Scientific Report

بازتاب کرونا در شعرهای طنزآمیز مردمی

دکتر حسن ذوالفقاری

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی

دانشگاه تربیت مدرس

zolfagari@modares.ac.ir

فضای مجازی آمیخته از اطلاعات علمی و شبه علمی است که ممکن است باعث سردرگمی استفاده‌کنندگان شود. هدف از این سلسله مباحث علمی، ارائه اطلاعات معتبر، دارای شناسنامه و تهیه شده توسط اساتید درباره کووید ۱۹ می‌باشد.

۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

گروه مطالعات علم و فناوری - ۳

کرونا مثل هر حادثه و مصیبت بزرگ، آثار بزرگ خودش را دارد. همواره بلایای طبیعی مثل سیل، زلزله و بلایای انسانی مانند وبا، طاعون و حالا هم کرونا موجب شده در ادبیات ملت‌ها آثار ماندگاری را برجای گذارد. اساساً یک رسالت ادبیات همین است که در بلایای طبیعی همگام با سایر بخش‌ها دخالت و نقش ایفا کند.

یکی از رسالت‌های ادبیات، التیام دردهای شخصی، انسانی و اجتماعی است. در طول تاریخ ادب فارسی بسیاری از نمونه‌های عالی ادبی را نشان داریم که بر اساس یک حادثه طبیعی خلق شده‌است؛ مثل قصیده زلزله تبریز از قطران تبریزی که به نحوی شگفت این واقعه را گزارش کرده‌است:

خدا	به	مردم	تبریز	بر	فکنده	فنا	فلک	به	مردم	تبریز	برگماشت	زوال	
دریده	گشت	زمین	و	خمیده	گشت	نبت	دمنده	گشت	بحار	و	رونده	گشت	جبال
یکی	نبود	که	گوید	به	دیگری	که	موی	یکی	نبود	که	گوید	به	دیگری
													که منال

یا در کتاب "طاعون" نوشته آلبرکامو که با اعلام وضع قرنطینه، اعضای خانواده‌های زیادی از هم جدا ماندند. عده‌ای قصد فرارهای متوالی داشتند و گروهی تا جایی که می‌توانستند با بیماری مبارزه کردند. رمان "عشق سال‌های وبا" شاهکار گابریل گارسیا مارکز در کنار وبای مهلک آمریکای جنوبی، داستان عاشقانه‌ای را روایت می‌کند تا نشان دهد وبا انسان را از پای درمی‌آورد ولی عشق، وبایی است که سالیان سال به دنبال آدم می‌آید و ذره‌ذره جان آدم را می‌گیرد. این نمونه‌ها و صدها نمونه دیگر همگی ضمن انعکاس این واقعه برای ماندگاری در تاریخ، گوشه‌ای از عواطف و احساسات و دردهای مردم را بازگو کرده‌اند. این امر طبیعی است؛ زیرا شعر هم نتیجه جوش احساسات و عواطف انسانی شاعر است و هم احساسات بشری را به حرکت درمی‌آورد و بر روح و روان تأثیر می‌گذارد. در متون ادب فارسی، زلزله، سیل، قحطی و خشک‌سالی و بیماری، بیش از دیگر مخاطرات طبیعی دیده می‌شود. در متون نثر، اغلب به جنبه تاریخی و وقایع‌نگاری توجه دارد و شعر، بیان تأثرات شاعر است.

کرونا نیز در این مدت کوتاه دوسه‌ماهه، ادبیات خودش را وارد زندگی مردم کرده‌است؛ از لطیفه‌پردازی تا سرودن شعرهای طنز و داستان‌ها و ساختن کلمات قصار. بیشترین آن اشعار طنزآمیز بوده‌است. اگرچه کرونا با کسی شوخی ندارد ولی شاعران مردمی با کرونا، این مهمان ناخوانده، چه شوخی‌ها که نکردند! شعرهایی لطیف و گاه تلخ اما سرشار از ملاحظه و شیرینی سروده‌اند که اگر از سر تأمل بنگریم بسیار نکات مردم‌شناسانه و اجتماعی در آن‌ها نهفته‌است. این اشعار آمیخته به طنز و شوخ‌طبعی سرشار از آگاهی‌هاست. در این اشعار به وجوه مثبت و منفی کرونا و بیان برخی حقایق اشاره شده‌است. مضمون این سروده‌های طنزآمیز، نقد عملکرد دولت و مسئولان، تشویق به خانه‌نشینی و قرنطینه خانگی و شوخی با مشکلات و ماجراهای در خانه ماندن، هجو قرنطینه‌گريزان، توجه شاعران به زوایای مثبت این ویروس! رفتارهای غیربهداشتی مردم، تصویر جان‌فشانی کادر پزشکی، منشأ و ریشه سرایت و نظایر آن است.

فایده‌روانی و اجتماعی این طنزها، آرام کردن جامعه و دادن روحیه و نشاط و امید به مردم است. نمی‌توان نقش تسکین‌دهندگی این اشعار را نادیده گرفت. مردم در طول تاریخ و در هولناک‌ترین حوادث، تنها با طنز به سراغ وقایع شوم رفته‌اند. نمونه آن لطایف عبید زاکانی در بحران حمله مغول است. فراموش نکنیم شعر طنز در ایران، از دیرباز در حکم رسانه اجتماعی و مردمی، نقش مهمی ایفا کرده‌است؛ نمونه آن اشعار طنز و مردمی نسیم شمال در گیرودار انقلاب مشروطه است.

طنزهای کرونایی این روزها، در زمان تعطیلی مطبوعات، در فضاهای مجازی دست‌به‌دست می‌شوند. برخی شاعران هم خود شعرشان را به طنز و زیبایی می‌خوانند. تعدادی از اشعار با نمائنگ‌هایی (کلیپ‌هایی) همراه شده و رفتارهای صحیح بهداشتی را نمایش می‌دهند. تاکنون رسانه ملی و سایر رسانه‌های رسمی هیچگاه به این موضوع نپرداخته‌اند. این نمونه‌ها بار اول است که در یک بولتن رسمی منتشر می‌شود تا انعکاس دهنده تأثیر یک حادثه بر ابعاد مختلف اجتماع باشد.

استقبال شاعران کرونایی از اشعار معروف

یکی از شیوه‌های طنزآفرینی در شعر، شیوه نقیضه‌گویی و سرودن اشعاری به استقبال و اقتفای اشعار معروف شاعران بزرگ است. چند شاعر از این شیوه بهره جسته و کروناسرای کرده‌اند؛ از جمله اسماعیل امینی طنزپرداز معاصر با همکاری حافظ زحمت این تکبیت را کشیده است:

در بهای بوسه‌ای جانی طلب می‌کنند این مبتلایان، الغیث!

محمودرضا آرمین هم به استقبال قصیده معروف سنایی غزنوی به مطلع زیر رفته‌است:

مکن در جسم و جان منزل که این دون است و آن والا قدم زین هر دو بیرون نه، نه پایین باش نه آن بالا

این کرونا قصیده، تعلیمی-طنزیمی(!) است و شاعر ضمن بیان طنزآمیز، کوشیده اندرزهایی گوشزد کند و ناچیزی انسان را در برابر این ناچیزتر از خود نشان دهد:

کویید نوزده می‌تازد و تازنده‌تر از تازش ملا^۱
یکی جان می‌ستاند دیگری دارایی مردم
به عبرت باید انسان بنگرد بر روزگار خود
غرور نابجا آرد به دنبالش سیه‌روزی
نه بر امروز بتوانی که دل بندی به امیدی
شگفتا از چنین خصمی که نتوان دیدنش با چشم
خدا را بین که بنشاندست انسان را سر جایش
بشر باید که سیلی این چنین می‌خورد از هستی
عجب خرتوخری بینی در این دنیای وانفسا
نه آن را تیرگی پنهان، نه این را روشنی پیدا
بگیرد درس از ویروس ناچیزی در این دنیا
چه از غفلت به خود بالد چه غره گردد از عمدا
نه جان را وعده صحت توانی داد بر فردا
عجیبا از نحیفی کاید از او شیون و غوغا
که شد مغرور و برد از خاطرش ناچیزی خود را
ز موجودی سهی ناچیز، هم در طول و هم پهنا
(محمودرضا آرمین - سعی سیستانی)

^۱ مقصود شاعر ملانصرالدین و خورش است.

شاعری دیگر به نام همایون علیدوستی به استقبال شعر معروف حافظ رفته و گفتگویی جانانه و شاعرانه با کرونا ترتیب داده‌است:

گفتم چه انگلی تو گفت از من این برآید	گفتم تب تو دارم گفتا تبت سرآید
گفتا که از کرونا این کار کمتر آید	گفتم ز آنفولانزا درس شفا بیاموز
گفتا مهاجم است او از راه دیگر آید	گفتم به میکروب تو راه دهان ببندم
گفتا تو زندگی کن تا روز بهتر آید	گفتم که عید امسال ما را به آرزو کشت
گفتا به طرز قاچاق از راه بندر آید	گفتم که قحطی ماسک بدبخت عالمم کرد
گفتا به خانه بنشین تا وقت آن درآید	گفتم که واکسن تو کی می‌رسد به دستم
گفتا سه ماه دیگر این غصه هم سرآید	گفتم زمان عشرت دیدی که چون سرآمد

علیرضا تیموری به استقبال رباعی معروف عرفانی منسوب به پوریای ولی (یا رودکی) رفته‌است:

در بر دگران اگر ببستی مردی	گر داخل خانهات نشستی مردی
شاخ کرونا اگر شکستی مردی!	مردی نبود سفر در این وضع خراب

اصل رباعی چنین است:

گر بر دگری خرده نگیری مردی	گر بر سر نفس خود امیری، مردی
گر دست فتاده‌ای بگیری، مردی	مردی نبود فتاده را پای زدن

قالب‌های غالبِ طنزهای کرونایی

۱. رباعی‌های کروناگرفته

اغلب شعرهای طنز در قالب کوتاه رباعی سروده شده‌است. سعید بیابانکی شاعر طنزپرداز مشهور، در مغازله‌ای عاشقانه خطاب به کرونا سروده‌است:

آغوش پر از حرارت ما را کشت	دستان پر از محبت ما را کشت
تست کرونای مثبتت ما را کشت!	این‌ها به کنار، چشم‌بادامی من
سجاده‌نشین آستان کرد مرا	انگشت نمای این‌وآن کرد مرا
آخر کرونا نمازخوان کرد مرا!	آبی که از این رسانه‌ها گرم نشد

این هم عاشقانه‌ی دیگر از جناب سیدعلی نقیب:

انگشت‌نمای مردمم، باور کن!	در گردش چشم تو گمم، باور کن!
چشمت کرونا و من قمم، باور کن!	عشق تو شیوع کرده در شهرِ دلم

دو رباعی حضرت شیخ غیرمفید هم عاشقانه‌ای است که هنگام قرنطینه‌ی دل سروده شده‌است:

تا نشر دهد محبتش را نامرد	هی بست به کار، همتش را نامرد
تست کرونای مثبتش را نامرد!	بوسید مرا، سپس نشان داد به من

خالی ز غم و کینه کنم این دل را
باید که قرنطینه کنم این دل را!

لازم شده واکسینه کنم این دل را
تا پخش نگردد کرونای عشقت

شروین سلیمانی هم بیکار نبوده و چندین رباعی با نام کرونانامه سروده و با رنگ و لعاب سیاسی از خجالت یکایک مسئولان درآمده است:

بر هرکه همان که لایقش هست دهد
مردِ کرونا گرفته‌ای دست دهد!

ای کاش نجاتمان ز بُن‌بست دهد
ای کاش که با یکایکِ مسئولین

اما نگران نباش چون رهگذر است
صد مرتبه از این کرونا بیشتر است!

با اینکه جنابِ کرونا پُرخطر است
در مملکتِ ما خطرِ مسئولین

بی‌وقفه رساندند به لب جان‌ها را
شاید کرونا خفت کند آن‌ها را!

برعکس گذاشتند پالان‌ها را
ما هیچ که زورمان به آن‌ها نرسید

اما زبل و نقشه‌کش و باخرد است
یعنی کرونا کارِ خودش را بلد است!

هرچند که شایسته مُشت و لگد است
وقتی‌که شروع کرده اول از قم

جای رؤسا تکیه به ویروس کنم
هرکس کرونا گرفته را بوس کنم!

باید پس از این فرارِ معکوس کنم
مایوس از آینده‌ام و می‌خواهم

رباعیات مهدی خداپرست ضمن انتقاد از رئیس دولت، وضع سرویس دهان خود را نیز این‌گونه بیان می‌کند:

کار ما سوختن و کار تو آتش زدن است
آنچه سرویس شده نام شریفش دهن است!
مردِ بیچاره که شرمندۀ فرزند و زن است
گوشمان مستمع ناله‌ خر در چمن است!
نیست جان‌سختی ما! مسئله نرخ کفن است
بین این جمع یکی هست که نامش حسن است!

ای که گفתי همه‌جا تحت تدابیر من است
قول دادی که به مردم برسانی سرویس
از قرنطینه نگو شیخ که در شهر پُر است
چند سال است به جای سخن عشق فقط
علت این‌که نمردیم پس از این همه سال
شعر من شامل افراد زیادی است! ولی

حسین شادمهر خطاب به کرونای ووهان‌زاده، چنین خط‌ونشان می‌کشد:

برو ووهان برو راحت نبندند
چرا در خاک ایران می‌نشینی!

برو تا بیش از این بر تو نخندند
تو ووهان‌زاده‌ای از جنس چینی

نه ترس از این موج کرونا داریم
هر روز از این جور قضایا داریم

نه واهمه از آنفلوآنزا داریم
ما پوستمان کلفت شده از بس که

نه از حرص و طمع سیری پذیرد
 کرونایی شود فوری بمیرد

نه دستِ مردم محتاج گیرد
 هر آن‌کس احتکار ماسک کرده

تو را بهر سلامت نکته‌ای هست
 کرونا را بکش با شستن دست

گفتا مرا آن یار سرمست
 تو کز کالای چینی شسته‌ای دست

به اعتقاد ابراهیم واشقانی فراهانی ما مردم مقاومی در برابر کرونا هستیم چون:

سیلاب و تورم دمام داریم
 بگذار شیوع کرونا هم داریم!

ما در رزومه، زلزلهٔ بیم داریم
 با این رزومه قبولم آقا؟ نه خیر؟

با موشک و سیل و زلزله درگیریم
 تا سال هزار و چهارصد می‌میریم
 (سید محمد حسینی)

دیری‌ست اسیرِ زور یا تزویریم
 زحمت به خودت نده کرونا زیرا

طرح کرونا و سیل اجرا بکند
 تا کار عقب مانده خود را بکند!
 (احمد رضا قدیریان)

او مانده که توی کفش ما پا بکند
 سال نودوهشت، گمانم مانده‌ست

نه اینکه به تولید، جهش خواهد کرد
 جیب همه را پر از شپش خواهد کرد!
 (عباس احمدی)

نه از کرونا رفع تنش خواهد کرد
 این دولت مقتدر که من می‌بینم

فعالیت خواص کمتر شده‌است
 چندی‌ست که اختلاس شده‌است
 (حسن باقری)

در کشور ما تماس کمتر شده‌است
 از لطف حضور کرونا در کشور

نه هرگز از این کار پکر خواهیم شد
 تا آخر امسال پدر خواهیم شد!
 (عبدالرحمن قنبری)

نه سیزده امسال بدر خواهیم شد
 هستیم قرنطینه و از بیکاری

در خانه نشسته در عزای کرونا
 حالا خورنای گرفته جای کرونا
 (سعید عندلیب)

این مرد که از ترس بلای کرونا
 از بس که در این خانه‌نشینی خورده

فرمان‌بر دستور تو هستیم بانو
 دیدی که قرنطینه شکستم بانو
 (حسن راهیما)

صد دل به سر زلف تو بستم بانو
 گفتمی که بیا سرزده الوعهه وفا

۲. سه‌گانی‌هایی با تست مثبت

یکی از قالب‌های نوظهور شعر فارسی سه‌گانی (اشعار کوتاه سه مصرعی) است. در این میان، سه‌گانی‌پردازان قرنطینه‌ای نیز به این موضوع بی‌توجه نبوده و با طنز و جد به هنرنمایی پرداخته‌اند تا داد خود از این ویروس منحوس بستانند:

روز مرد است و شهر، ویروسی؛ شهروندان! به هوش تا نکنید جز که با باجناب روبوسی! ***	رشد شایعه‌ست. ای میهنم! نترس! نفس می‌دهم تو را؛ روزی به زندگی پس می‌دهم تو را (بابک حسین‌زاده برجویی) ***	این‌گونه که هر روز در کوچه و بازار رهاییم، ما خود، کرونایم. ***
گر بمانی درون خانه‌ی خود کرونا را شکست خواهی داد، ورنه با مرگ دست خواهی داد (سعید عندلیب) ***	با چشم سر اگر چه نمی‌بینمت، ولی کووید نوزده! تو واقعاً یلی! (سیمین میرآفتاب) ***	دیگر برای عالم و آدم مبرهن است، ویروس ناقلا با بوس دشمن است. ***
پیشتر ز آن که غضب‌های بی‌اندازه کند، کرونا آمده شاید که زمین نفسی تازه کند (نادر عبدالوند) ***	با کرونا آخر حالیم ما؛ حال که تعطیل شده شهرمان راهی دریای شمالیم ما ***	دست دادن اگر چه ممنوع است، من به "بهداشت" دست خواهم داد؛ "کرونا" را شکست خواهم داد! ***
گیریم که شهر در قرنطینه‌ست هر پنجره یک لبخند داروی هزار درد دیرینه‌ست (حسین محمدیان)	کرونا هم اگر بگیرم من تو مپندار، نازنین یارم! لحظه‌ای از تو دست بردارم! ***	عید امسال عجب خوش گذشته‌ست به ما آفرین بر کرونا! (سیدحسن سعیدزاده / صهبای بیدگلی) ***
		مرگ غنچه‌های نوشکفته جای خود؛ آنچه ضایعه‌ست،

۳. قصیده به قصد کرونا

پزشک شاعر، جناب دکتر اصغر دیندار نیز با بهره‌گیری از گویش همدانی، قصیده‌ای نه چندان بلند ساخته و ضمن ریشه‌شناسی کرونا، به روش‌های ریشه‌کنی آن هم اشاره کرده‌است:

آلوده شده شهرِ قم و مرکزِ سوهان یک‌دفعه بگویند که سوهان نخورینان! تا قم، نشیتابید که سوهان بخورینان بهداشت مهم است رعایت بکنینان رفتید اگر ماسک به صورت بزنینان دستانِ لطیفِ خودتان را، و خیزینان بوسیدن‌تان هیچ! به هم دست ندینان سر را به گریبان و کُنالچه بَبَرینان انگشت به آبِ لب‌ولوچه نچشینان با زور به حلقِ کسِ دیگر نَدَمینان بیش از خودِ ویروسِ خطرناک‌ترینان نزدیک به هر موردِ مشکوک، نَشینان بی‌فایده اِسپند بر آتش نکشینان با وحشتان، جانبِ دریا ندوینان	گفتم کرونا آمده از چین و ز ووهان گفتا که عجب! این‌همه شهر است چرا قم؟ گفتم که نه منظور من این است که فعلاً شاید کرونا آمده ایران که بگوید بیخود نروید جایی اگر کار ندارید با آب و کمی مایعِ صابون بشوئید وقتی‌که رسیدید به هم، روی نبوسید در جمعی اگر عطسه زدید و کُخه کردید در لحظهٔ پر وسوسه پول شمردن در سینه اگر گشته نفس‌های شما تنگ روزانه در این مدت اگر دوش نگیرید چون در همدان بوده یکی موردِ مثبت بازارِ خرافاتِ وطن یکسره داغ است تا کم نشده زحمتِ ویروس از ایران
--	---

گفتند نبوده‌ست و گفتم که نگینان
میواست که یک ماه قرنطینه بشینان
در خدمتتانم چو به سینا برسینان
پرپر شده‌ام تا که شما ورنپرینان

درخانه بمانید اگر قحطی ماسک است
ورنه دمِ نوروز و در آغازِ طبیعت
بیهوده نترسید ولی گر نگرانید
من دکتر "دیندار"م و پیوسته در اورژانس

۴. مثنوی‌سازی با کرونا

در قالب مثنوی هم شاعران طبع آزموده‌اند. این شعر از شاعری لادری است که معتقد است کرونا تنها جنس چینی است که جنسش خوب است و دارد خوب عمل می‌کند!

دروغ و رشوه و دزد و کلک نیست
ز ووهان آمده ایران، غریب است
ز تدبیر و امید هم می‌پذیرد
نظر دارد حساسی بر مدیران
و با دوستانِ دشمن می‌شود دوست
ولی با خوی بعضی‌ها عجین است
زهر سو تازه می‌گردد هلاکت
غضب از سمت چین آورده‌ای تو
کرونا! از برایت همدمی نیست

زچین آمد ولی جنسش بدک نیست
نجومی هم نمی‌گیرد، عجیب است
به مجلس رفته تا سلفی بگیرد
ز چین آمد و دل‌خوش کرده ایران
کرونا مثل بختک در تکاپوست
کرونا اهل ووهان شهر چین است
گرانی، سیل و بدبختی، فلاکت
گمانم راه را گم کرده‌ای تو
نهادی پا به جایی که غمی نیست